

اولین سوال
از بهشت ۹۹

فلسفه دوازدهم - درس دوم - جهان ممکنات

چند مسئله مطرح در فلسفه اولی

- مغایرت وجود با ماهیت

- جهان هستی متناهی است یا نامتناهی است - آیا جهان ابدی است؟

- آیا جهان هستی همواره پیوسته است؟ - آیا جهان ازلی است؟

- آیا عالم ما وراء طبیعت و غیر مادی هست؟

- آیا جهان هستی و موجودات آن می توانند اند نباشند؟

- موجودات که **آلان** هستند آیا زمانی نبوده اند؟

یعنی زمانی نبوده و **آلان** هستند

یعنی با وجود و عدم حالتی تساوی دارند
یعنی هم می توانند باشند و هم نباشند

- آیا موجودی هم داریم که وجود هرگز از او جدا نشود؟

یعنی وجود ذاتی او باشد

یعنی وجود برایش ذاتاً واجب باشد؟

- آیا مفهومی داریم که وجود برای او محال باشد؟

یعنی وجودش ذاتاً محال باشد

قبل از پاسخ دادن به سه سوال آخر بایستی با چند

مفهوم فلسفی آشنا شویم

اقسام رابطه‌ی بین موضوع و محمول

در قضایا

۱- رابطه‌ی وجوبی

مانند: مثلث سه ضلعی است
انسان ناطق است
شکر جنم است

- اگر محمول ذاتی موضوع باشد
- موضوع بیرون محمول محال است باشد
- عقل خلاف رابطه را نمی پذیرد
- محال است موضوع بیرون محمول تحقق پیدا کند
- نیست دادن محمول به موضوع واجب است

۲- رابطه‌ی امکانی

مانند: طول یک ضلع مثلث ۲ است
هواسرد است
برگ درخت سبز است

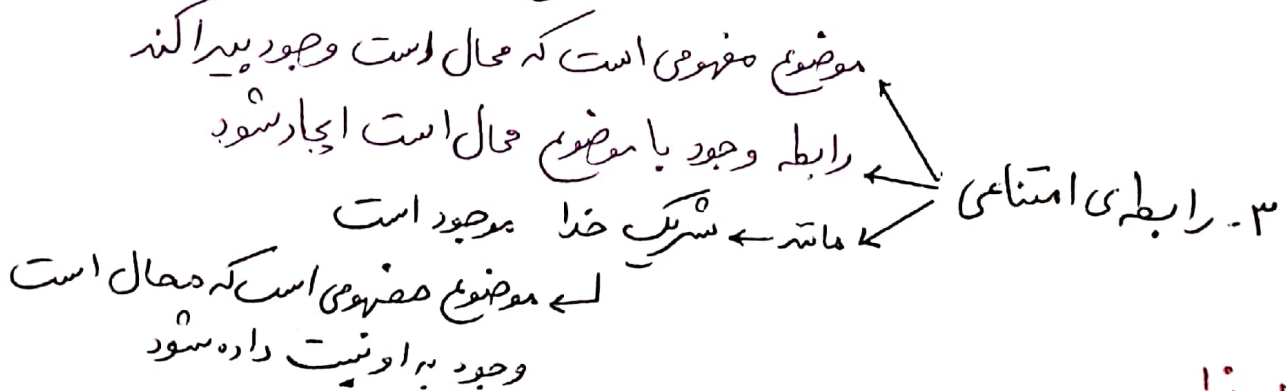
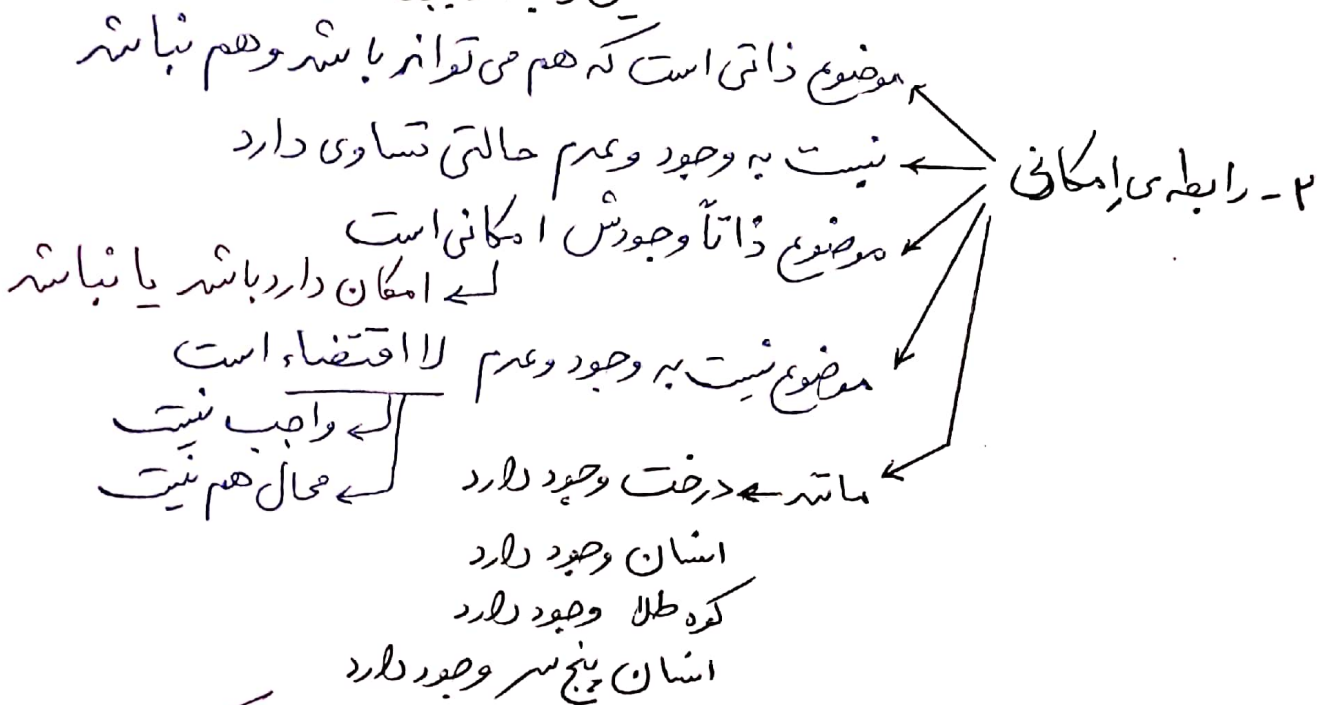
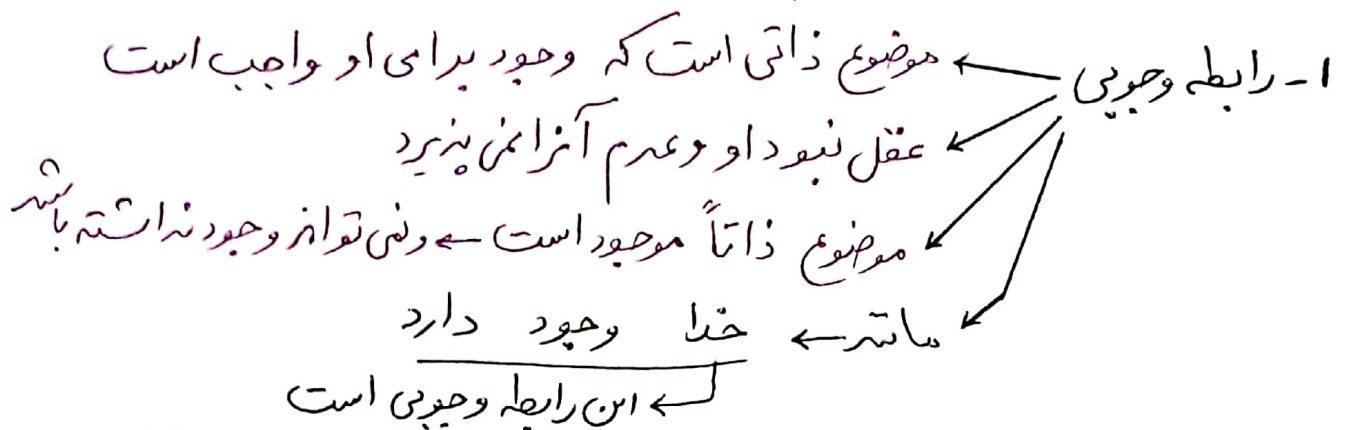
- محمول ذاتی موضوع نیست
- یعنی موضوع می تواند محمول را داشته باشد یا نه
- عقل هم رابطه را نمی پذیرد و هم خلاف آن را
- نیست دادن محمول به موضوع واجب نیست اما
- محال هم نیست
- امکان دارد باشد یا نباشد

۳- رابطه‌ی امتناعی

مانند: مثلث ۴ ضلع دارد
انسان غیر ناطق است
عدد ۴ فرد است

- محال است محمول به موضوع نیست داده شود
- یا عارض موضوع شود
- عقل خود رابطه را نمی پذیرد
- بدرقاری رابطه بین موضوع و محمول غیر ممکن
- محال و متکلف است

حال اگر تمام مفاهیم را به عنوان موضوع قرار دهیم و وجود را به عنوان محمول بخواهیم به آنها نسبت دهیم باز هم سه حالت یا سه رابطه قابل تصور است:



ابن سینا



ثقله ← میان تمام ماهیات و وجود رابطه امکانی است ← ماهیات به گونه ای نیستند که حتماً باید باشند و بگونه ای هم نیستند که وجود آن محال باشد

یعنی نسبت به وجود و عدم حالتی تساوی دارند - یعنی تمام ماهیات ممکن الوجودند

سوال: ماهیاتی که ممکن الوجودند و الان وجود دارند چگونه وجودشان ضروری شده است؟

آیا می شود یک ممکن الوجود بدون یک علت خارجی واجب الوجود شود؟ و بوجود بیاید؟

توضیح: ذاتی که ممکن الوجود است نسبت به وجود و عدم حالتی تساوی دارد یعنی هم می تواند

باشد و هم نباشد ← اگر بخواهد بوجود بیاید باید از حالت تساوی خارج شود

و مساوی وجود شود

← آیا بدون علت می شود؟

یک ماهیت حتماً باید از حالت امکانی خارج شود و به مرحله وجود برسد تا بوجود بیاید.

✓ رابطه بین دیوار و سفید یک رابطه ای امکانی است. یعنی دیوار می تواند سفید باشد

یا نباشد، اما اگر دیوار خانه سفید شد یعنی اول سفید شدن برای دیوار واجب

شده است پس دیوار سفید شده است (یعنی بین دیوار و سفید رابطه ضروری برقرار شده)

نکته مهم ← ملاحظی که ذاتاً ممکن الوجود است (یعنی ذات آن نسبت به وجود و عدم حالتی تساوی

دارد محال است بدون دخالت یک عامل دیگر وجودش واجب شود و

بوجود بیاید ← خروج از حالت امکانی و واجب شدن وجود نیازمند یک عامل

خارجی است

پس تمام ماهیاتی که الان موجود هستند قطعاً بواسطه یک علت خارجی وجودشان

واجب شده است ← قبلاً ممکن الوجود بوده اند

← الان واجب الوجود شده اند و اگر نه بوجود نمی آمدند

پس همه واجب الوجود بالغیر هستند

یعنی وجودشان بواسطه موجودی غیر از خودشان

واجب شده است

پس ما در نوع واجب الوجود داریم

واجب الوجود بالذات ← وجودی که وجود برای او همیشه واجب و ضروری است

و او ضرورت وجود را از ناحیه خودش دارد نه خارج خود.

واجب الوجود بالغیر ← همان ممکن الوجودهایی هستند که بواسطه ی علتی خارجی

وجودشان واجب شده است (چه محدود باشند و چه نامحدود)

- ۱- رابطه‌ی بین تمام ماهیات و وجود رابطه‌ی امکانی است. ← یعنی تمام ماهیات امکان ذاتی دارند ← نسبت به وجود و عدم حالتی تساوی دارند
- ۲- اگر ماهیتی یا ذاتی که ممکن الوجود است الان موجود است ← حتماً از حالت امکانی خارج شده و به مرحله وجود رسیده است ← یعنی اول وجودش واجب شده و له واجب الوجود بالغیر بوجود آمده است
- ۳- اگر علتی نباشد تا شی ممکن الوجود را از حالت امکانی به وجودی برساند قطعاً آن شی موجود نخواهد شد ← چون ماهیتاً واجب الوجود نیستند
- ۴- تمام اشیاء جهان چه محدود و چه نامحدود قطعاً ممکن الوجود هستند ← پس برای بوجود آمدن به تک واجب الوجود یا لذات نیازمند هستند ← تا آنرا را از حالت امکانی خارج کند و وجود را برای آن واجب کند ← تا بوجود بیایند
- ۵- بی نهایت شدن تعداد موجودات جهان ← آنرا را از واجب الوجود یا لذات بی نیاز نمی‌کند ← هر موجودی که ممکن الوجود است حتی اگر بی نهایت هم باشد ← باز هم برای واجب شدن و پوشش نیازمند علت است
- ۶- تمام موجودات جهان ذاتاً ممکن الوجودند اما از آن حیث که الان موجودند واجب الوجود بالغیر هستند ↓
- ۷- اگر وجود برای حقیقتی ضرورت ذاتی داشته باشد آن حقیقت همیشه بوره چیست و خواهد بود ← چون وجود وجودش وابسته به خودش است ← واجب الوجود بالذات
- ۸- اگر وجود برای امری امتناع ذاتی باشد ← محال است در عالم خارج محقق شود چون وجودش محال است
- ۹- نظریه امکان ذاتی ← تک برهان بی‌ارغوی برهان و صوب امکان برای اثبات وجود خداست
- ۱۰- توماس آکویناس ← درکث مغایرت وجود و ماهیت تابع ابن سیناست
- ۱۱- در جهان اسلام، اهلنیا، خواجہ نصیر، میرداماد و شیخ بهایی از این برهان استفاده کرده‌اند
- ۱۲- ملاصدرا و صدرائیان ← این برهان را ارتقاء دادند و به برهان امکان فغری رسیدند

واجب الوجود بالذات ← وجوب وجودش ذاتی است

تمام موجودات جهان

واجب الوجود بالغير ← همان ممکن الوجودهای بالذات

هستند که علت وجودی آنها ^{حسب} الان
ولی اسما علت خود موجودند

متنوع الوجود بالذات ← امری که ذاتاً از وجود امتناع دارد

لے وجود برایش محال ذاتی است

موجوداتی که نیستند

متنوع الوجود بالغير ← همان ممکن الوجودهای بالذات

هستند ولی فعلاً علت وجودی آنها

موجود نیست

امتناع آنها از وجود به خاطر نبود علت آنها است

وجود برای آنها محال نیست به محض فراهم شدن

علت آنها موجود می شوند

نظر ملا صدرا

← او برای اثبات نیازمندی موجودات جهان به علت از روشی دیگر استفاده کرد

← او به جای نظریه امکان ذاتی، نظریه فقر وجودی یا امکان فقری را مطرح کرد

← ملاک نیازمندی جهان به علت

فقر ذاتی است - تمام موجودات

وابسته و نیازمند هستند باید تک

موجود که غنی بالذات است این

نیاز وجودی را برای موجودات

رفع کند

ملاک نیازمندی جهان به علت

ممکن الوجود بودن است

یعنی چون نیست به وجود ^{مقدم}

حالتی تساوی دارد به علت

نیازمند است

جهان هستی یکپارچه نیازمند است هیچ استقلالی از خود ندارد و اثر ذات الهی آنی

عنايت خویش را از جهان بازگرد همه نابود می شوند

← وجود بی نیاز و غیر وابسته ← غنی بالذات است

← وجود نیازمند و وابسته ← دارای فقر وجودی است

اقسام وجود